

Analyzing the necessity of entertainment in lifestyle from the perspective of moral teachings of Islam

Seyyed Abdollah Mirkhandan*, Seyyed Hamid Mirkhandan**

Abstract

The materialistic lifestyle of today's man has proposed entertainment as an escape from problems and to reach the alleged ideals of the new human civilization; However, according to many critics, this popular issue has also faced challenges and harm to humans. Since examining the Islamic point of view to overcome the challenges in this field is a worthy matter and as the knowledge of ethics and specifically practical ethics is responsible for valuing human actions, in challenging cases, this article, with a descriptive-analytical method, seeks to determine the necessity of entertainment in the Islamic lifestyle from the perspective of the ethical teachings of Islam.

In the current research, from the application of Islamic ethics teachings on entertainment, these results were obtained that: the main reason for the need for entertainment in the Islamic lifestyle is not the industrialization of societies or things such as instinct, hedonism in the sense of what the hedonists say or religion, but The main source of this need is human nature; Based on this, it is necessary to deal with entertainment in the lifestyle to such an extent that it can be considered as one of the basic components of a wise life and not devoting time to it is considered an irrational and reprehensible behavior; However, entertainment should not be done in an extreme way and in such a way that it causes people to neglect their other important activities.

Keywords

Entertainment, Recreation, Free Time, Lifestyle, Ppractical Ethics, Islamic Ethics.

* Level 4 of Fiqh and Principles of Qom Seminary, Iran, (Responsible author).
abdollahmirkhandan@yahoo.com

** Ph.D. in Culture and Communication, Bagheral Uloom University of Qom, Iran.
h.mirkhandan@gmail.com



واکاوی ضرورت سرگرمی در سبک زندگی از منظر آموزه‌های اخلاقی اسلام

سید عبدالله میرخندان*، سیدحمید میرخندان**



چکیده

سبک زندگی مادی انسان امروزی، سرگرمی را به مثابه گریزگاهی از مشکلات و رسیدن به آرمان‌های ادعایی تمدن جدید بشری مطرح کرده است. با این حال، به اذعان بسیاری از منتقدان، این مشغولیت محبوب با آسیب‌ها و مضراتی برای انسان همراه بوده است. از آنجا که بررسی دیدگاه اسلامی برای برون‌رفت از مسائل موجود در این عرصه امری قابل اعتناست و دانش اخلاق و به‌طور خاص دانش اخلاق کاربردی عهده‌دار ارزش‌گذاری افعال انسان، در موارد بحث‌انگیز است، این مقاله با روش توصیفی تحلیلی، در پی مشخص کردن ضرورت سرگرمی در سبک زندگی اسلامی از منظر آموزه‌های اخلاقی اسلام است.

در تحقیق حاضر، از کاربرست آموزه‌های اخلاق اسلامی برای سرگرمی‌ها، این نتایج به دست آمد: خاستگاه اصلی نیاز به سرگرمی در سبک زندگی اسلامی،

* دانش‌آموخته سطح چهار فقه و اصول حوزه علمیه قم، ایران (نویسنده مسئول).

abdollahmirkhandan@yahoo.com

** دانش‌آموخته دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم قم، ایران.

h.mirkhandan@gmail.com

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۳/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷

صنعتی شدن جوامع یا اموری چون غریزه، لذت خواهی (به معنای آنچه لذت گرایان می گویند) یا مذهب نیست، بلکه خاستگاه اصلی این نیاز، فطرت انسان است؛ بر این اساس، ضرورت پرداختن به سرگرمی در سبک زندگی به حدی است که می توان آن را از جمله مؤلفه های اساسی زندگی خردمندانه دانست و اختصاص ندادن اوقاتی به آن را رفتاری غیر عقلایی و نکوهیده محسوب کرد. با این حال، نباید پرداختن به سرگرمی به شکل افراطی و به گونه ای باشد که موجب غفلت انسان از دیگر فعالیت های مهم خود شود.

کلیدواژه ها

سرگرمی، تفریح، اوقات فراغت، سبک زندگی، اخلاق کاربردی، اخلاق اسلامی.

مقدمه

سرگرمی از جمله فعالیت هایی است که در سبک زندگی انسان رخ می دهد. به اعتقاد بسیاری از محققان، سرگرمی از مهم ترین مؤلفه های سبک زندگی محسوب می شود که به وسیله آن می توان نوع سبک زندگی افراد و جوامع را مشخص کرد (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ص ۵۹-۶۳).

در دنیای امروز، فعالیت هایی چون تماشای تلویزیون و برنامه های ماهواره ای، رفتن به سینما، گردشگری، ورزش، مطالعه، گوش دادن به موسیقی و مشغول شدن در فضای مجازی مانند چت، وب گردی، بازی های رایانه ای از جمله سرگرمی هایی هستند که گاه مشغول شدن به آنها با مسائل اخلاقی همراه است؛ چراکه پیشرفت های علمی باعث به وجود آمدن شیوه های نوی از گذران اوقات فراغت با فواید و مضرات نامشخص شده و افزون بر این، این پیشرفت ها به کم کردن از ساعات کاری و افزودن به اوقات فراغت نیز کمک کرده است.



این مسائل موجب شده در وهله اول، شناخت این سرگرمی‌ها و پی‌بردن به ماهیت آن‌ها، دشوار و مبهم شود و سرگرمی‌های مدرن اصطلاحاً موضوع و عنوانی مستحدثه باشند و در وهله دوم، حکم اخلاقی آن‌ها نیز چندان واضح نباشد یا احکام اخلاقی کلی را نتوان بر آن‌ها تطبیق داد؛ به‌عنوان نمونه، اینکه بر اساس احکام اخلاقی، مشغول‌شدن به سرگرمی‌های موجود در فضای مجازی چه هنگامی مطلوب و چه هنگامی نامطلوب است، امری بحث‌انگیز محسوب می‌شود؛ چراکه اساساً تأثیر این سرگرمی‌های نوظهور چندان روشن و واضح نیست.

از سوی دیگر، به‌دلیل افزایش اوقات فراغت، مخاطبان سرگرمی‌ها بسیارند و از آن‌رو که میل به آن‌ها ناشی از طبیعت انسان است و فعالیتی لذت‌بخش محسوب می‌شوند، در اقناع و راضی کردن مخاطب خود از مباحث پیچیده اعتقادی و علمی کارآمدتر هستند. این ویژگی‌ها موجب شده نهادها و گروه‌های گوناگون اجتماعی تلاش کنند با استفاده از سرگرمی‌ها، اهداف و خواسته‌های مشروع یا غیراخلاقی خود را به مخاطبان‌شان القا کنند.

بنابراین، بحث از اینکه ضرورت سرگرمی‌ها در زندگی انسان تا چه اندازه باید باشد، از اهمیت بسزایی برخوردار است و به‌کارگیری آموزه‌های اخلاق اسلامی در این باره امری مهم و قابل‌اعتناست و همان‌گونه که در ادامه نیز به آن اشاره خواهد شد، دانشی که راه برون‌رفت از مسائل اخلاقی را می‌کاود، دانش اخلاق کاربردی است (ر.ک: شریفی، ۱۳۹۰، صص ۸۶ و ۸۸).

در این راستا سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که ضرورت سرگرمی در سبک زندگی اسلامی از منظر آموزه‌های اخلاقی اسلام تا چه اندازه است؟ در ذیل این سؤال، سؤالات دیگری نیز مطرح است؛ مانند اینکه با توجه به آموزه‌های اخلاقی اسلام، نیاز به سرگرمی چه نوع نیازی محسوب می‌شود و منشأ این نیاز چیست؟ آیا سرگرمی‌های اخلاقی، مؤلفه اساسی در سبک زندگی اسلامی محسوب می‌شوند؟





پیشینه تحقیق

آنچه درباره سرگرمی در نظریات متفکران غیرمسلمان آمده، بیشتر حول ضرورت اوقات فراغت در سبک زندگی امروزی است و شامل دیدگاه‌های اسلامی نمی‌شود. برخی از متفکران مسلمان نیز به صورت ضمنی در لابه‌لای تحقیقات خود به آموزه‌های اخلاق اسلامی درباره ضرورت سرگرمی در سبک زندگی اشاره کرده‌اند؛ برخی از آثار در این زمینه عبارت‌اند از:

- کتاب‌های فراغت، مصرف و جامعه (۱۳۹۱) و سبک‌های فراغتی جوانان (۱۳۹۱) نوشته محمدسعید ذکایی؛ مؤلف در این دو کتاب، ویژگی‌ها، روندها و آسیب‌های فعالیت فراغتی در سبک زندگی جامعه ایرانی (مخصوصاً در قشر جوان) و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن را با سبک زندگی غربی بررسی می‌کند. پژوهش حاضر با بررسی دیدگاه‌های اخلاق اسلامی در این زمینه، مطالبی به این یافته‌ها می‌افزاید؛

- کتاب شیوه‌های گذران اوقات فراغت با نگرش به منابع دینی (۱۳۹۴) اثر محمدتقی فعالی و عبدالرضا آتشین صدف؛ در این کتاب، نویسندگان با رویکردی اسلامی به بررسی حدود و مرز استفاده از فعالیت‌های فراغتی مدرن، آسیب‌های آن‌ها و راهکارهای جلوگیری از این آسیب‌ها پرداخته‌اند. پژوهش حاضر با در نظر گرفتن آموزه‌های اخلاقی اسلام در مباحثی مانند نوع و منشأ نیاز به سرگرمی و میزان شاخص بودن سرگرمی در سبک زندگی اسلامی، مطالبی به این یافته‌ها می‌افزاید؛

- کتاب سرگرمی رسانه‌ای: رویکردی اسلامی ارتباطی به سرگرمی در سیمای ملی (۱۳۹۴) نوشته حسین شرف‌الدین؛ بخش‌هایی از این کتاب قبلاً به صورت مقالاتی به چاپ رسیده است. در این کتاب، مؤلف در بخشی با عنوان «جایگاه سرگرمی در زیست جهان مؤمنانه» این موضوع را بررسی کرده و معتقد است کمترین نیاز به سرگرمی‌های مدرن، در سبک زندگی اسلامی احساس می‌شود.



پژوهش حاضر با بررسی برخی منابع جدید و نیز استنباطات جدید از روایات و منابع اسلامی در این زمینه جنبه نوآورانه دارد؛

-مقاله «رویکرد اخلاقی به سرگرمی در رسانه ملی» (۱۳۹۸)، اثر دیگر سیدحسین شرف‌الدین، در مجموعه مقالات اولین همایش علمی پژوهشی اخلاق و رسانه به چاپ رسیده است؛ نویسنده در این مقاله معتقد است نیاز به سرگرمی، نیازی اصیل است و به بایسته‌های هنجاری یک رسانه دینی و مسائل محتمل در این حوزه می‌پردازد. پژوهش حاضر با موضوعی مستقل از الگوی هنجاری رسانه و بحث از ضرورت تقسیم اوقات انسان از دیدگاه اخلاق اسلامی و نیز بحث تفصیلی درباره نوع و منشأ نیاز به سرگرمی و لزوم پاسخ‌گویی به آن، دارای جنبه‌های نوآورانه و بدیع است.

روش تحقیق

در این تحقیق، اطلاعات به شیوه توصیفی تحلیلی، تجزیه و تحلیل شده‌اند و به دلیل اینکه در این تحقیق، متون متعدد اسلامی و غیراسلامی به روش غیر کمی تحلیل می‌شوند، تحلیل محتوا کیفی است.

در این تحقیق از روش متداول در علم اخلاق کاربردی، یعنی موازنه متفکرانه (Reflective Equilibrium)، استفاده شده است؛ توضیح اینکه بررسی و قضاوت اخلاقی در مسائل اخلاق کاربردی، متضمن سه روش عمده از بالا به پایین، از پایین به بالا و موازنه متفکرانه (تعادل متأملانه) است (خزاعی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۹).

در روش از بالا به پایین، حکم اخلاقی از کنار هم گذاشتن یک کبرای کلی و یک صغرای جزئی و سپس نتیجه گرفتن از آن‌ها به دست می‌آید. در این شیوه، ارزش‌گذاری هر فعل اخلاقی با نشان دادن مطابقت آن با یکی از اصول هنجاری عام و انتزاعی صورت می‌پذیرد (اسلامی، دبیری و علیزاده، ۱۳۸۸، ص ۲۸).

در روش از پایین به بالا، فارغ از اصول کلی، فعل اخلاقی به صورت جزئی و عینی مورد بحث قرار می‌گیرد. در این روش تلاش می‌شود حتی الامکان به ویژگی‌های مسئله مورد نظر توجه شود و همه واقعیات مرتبط در قضاوت اخلاقی دخیل باشند. پس از مشاهده جزئیات مورد نیاز و دقت در جوانب این مسئله خاص، حکم اخلاقی آن صادر می‌شود (خزاعی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۰).

بر اساس برخی از مشکلات که در عمل برای دو روش مذکور پیش می‌آمد، روشی سومی به نام موازنه متفکرانه مطرح شد. در این روش، عناصر زمینه‌ای و خصوصیات مورد، با اصول کلی اخلاقی، رابطه‌ای دو سویه دارد؛ به این معنا که گاه عناصر زمینه‌ای موجب تصحیح یا رد اصول کلی اخلاقی می‌شوند و گاه اصول کلی اخلاقی بر مصادیق خارجی تطبیق داده می‌شوند (اسلامی، دبیری و علیزاده، ۱۳۸۸، ص ۳۲).

۱. مفهوم‌شناسی

این تحقیق بر اساس شناخت مفاهیمی مانند سرگرمی و سبک زندگی صورت گرفته است. برای روشن شدن مقصود از این مفاهیم و بیان دیدگاه‌های نگارنده در این باره، در ادامه، تعاریف آن‌ها بررسی می‌شود.

۱.۱. سرگرمی

سرگرمی (Amusement /Entertainment) معانی متعدد و گاه متفاوتی طی حیات بشر داشته است. برخی از سرگرمی‌ها به صورت سنتی و از دیرباز با انسان بوده‌اند و برخی دیگر مخصوص زمان معاصر و صنعتی شدن جوامع هستند. در این تحقیق، مفهوم سرگرمی شامل سرگرمی‌های اسلامی می‌شود؛ به این معنا که ضرورت آن دسته از سرگرمی‌های سنتی و مدرنی که مورد تأیید اسلام هستند در سبک زندگی انسان بررسی می‌شود.



برای روشن شدن مفهوم سرگرمی اسلامی می توان آن را این گونه تعریف کرد: «حالت نفسانی و گذران اوقات فراغت که به صورت اختیاری، بدون شأنیت انتفاع بردن و به قصد اموری چون ایجاد تفریح و شادمانی، تنوع و تفنن، شکوفایی فردی و اجتماعی، استراحت، رفع خستگی، گریز از یکنواختی صورت می پذیرد. به دلیل اینکه مسئولیت های انسان با وجود عقل، اختیار و آگاهی و قدرت، از بین نمی روند، مشغول شدن به سرگرمی نیز به معنی رهایی از این مسئولیت ها نیست» (میرخندان و خیری، ۱۴۰۱، ص ۵۶).

در توضیح این تعریف باید گفت:

- سرگرمی امری است که دو بعد درونی و بیرونی دارد؛ چراکه از سویی، انفعالی درونی (سرگرم شدگی) است و از سوی دیگر، فعالیت خارجی و بیرونی (گذران اوقات فراغت) محسوب می شود (همان، ص ۵۵)؛

- فعالیت فراغتی همان سرگرمی است و اوقات آزادشده از کار یا اوقات لذت بخش و یا اوقاتی با کارکردهایی مثل شادی، خودشکوفایی، خودیابی و مانند آن، مفهومی وسیع تر و عام تر از اوقات فراغت و سرگرمی دارند؛ از این رو، مراقبت از سلامت خود، غذاخوردن، خوابیدن، به جا آوردن عبادت ها و مناسک مذهبی، جزو فعالیت های فراغتی و سرگرمی ها به شمار نمی روند؛ زیرا اساساً مفهوم امروزی فراغت، تابعی از مفهوم کار نیست تا همه اوقاتی که از کار آزاد شده اند، اوقات فراغت به شمار روند (ر.ک: چاوشیان و اباذری، ۱۳۸۱، ص ۱۲-۱۳؛ توسلی، ۱۳۷۵، ص ۱۲۶-۱۲۷). همچنین فعالیت هایی مانند نماز خواندن که موجب خودشکوفایی، خودیابی، بهجت و نشاط می شوند، سرگرمی محسوب نمی شوند و در منابع دینی دلیلی بر اینکه مناسک مذهبی و فرایض اسلامی، سرگرمی و فعالیت فراغتی به شمار روند نمی توان پیدا کرد. در بعضی از روایات که درباره تقسیم اوقات روز به فعالیت های گوناگون هستند، توجه و اهمیت دادن به عبادت هم ردیف توجه به معاشرت داشتن با دوستان، امور کاری و لذت های حلال که شامل





فعالیت‌های فراغتی نیز می‌شود، قرار داده شده است (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲: ص ۵۲۵؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۰۹-۴۱۰؛ الامام الرضا، ۱۴۰۶ق، ص ۳۳۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ص ۸۸). مجزای بودن سفارش به این فعالیت‌ها، به تفاوت ماهوی آن‌ها اشاره دارد؛

- سرگرمی‌های امروزی فعالیت‌هایی هستند که در اوقات غیرکاری انجام می‌شوند و در قبال پرداختن به آن‌ها پولی دریافت نمی‌شود؛ به همین دلیل، سرگرمی‌های امروزی غیرمزدوری و غیرانتفاعی محسوب می‌شوند؛

- پاره‌ای از فواید سرگرمی عبارت‌اند از: تفریح و شادمانی، تنوع و تفسن، شکوفایی فردی و اجتماعی، استراحت، رفع غم و خستگی، گریز از یکنواختی؛

- به اعتقاد برخی، سرگرمی، انسان را از وظایف اساسی و اولیه خود مانند مسئولیت‌های مذهبی، فرهنگی، خانوادگی و اجتماعی رها می‌کند (دومازدیه، ۱۳۵۲، ص ۱۷). در حالی که از دیدگاه اسلامی، مسئولیت اخلاقی فرد هنگام مشغول شدن به سرگرمی نیز باقی است؛ به این معنا که انسان چنانچه رفتاری برخلاف وظایف اساسی و اولیه خود انجام دهد، مستحق نکوهش است؛ مثلاً شخص هنگام پرداختن به سرگرمی نباید به اموال دیگران آسیبی بزند یا نباید به سرگرمی‌های حرام پردازد.

۱. ۲. سبک زندگی

اگرچه مفهوم سبک زندگی (Life style) مفهومی تاریخی است و متفکران متعددی در نظرات خود از آن استفاده کرده‌اند، مفهوم امروزی آن، در یک قرن اخیر و بیشتر با نظریه‌های یک روان‌شناس اتریشی به نام آلفرد آدلر (Alfred Adlr) (۱۸۷۵-۱۹۳۷) مطرح شده است (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۴).

آدلر تعابیر مختلفی درباره تعریف سبک زندگی دارد؛ وی می‌گوید:



سبک زندگی یعنی کلیت بی‌همتا و فردی زندگی که همه فرایندهای عمومی زندگی، ذیل آن قرار دارند. سبک زندگی طرح و دریافتی اجمالی است از جهان، فرایند در حال گذار و راه است؛ راه یکتا و فردی زندگی و دستیابی به هدف. خلاقیتی است حاصل کنار آمدن با محیط و محدودیت‌های آن. سبک زندگی، رفتار و منش نیست، بلکه امری است که همه رفتارها و تجربیات انسانی را برای واحد هدایت می‌کند و خود به واسطه‌ی خو و منش فردی شکل می‌گیرد (نقل از: مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ص ۵۳).

از این تعابیر مشخص می‌شود سبک زندگی به رفتارهای عینی و خارجی انسان تعریف نمی‌شود و شامل رفتارهای ذهنی و درونی مانند گرایش‌ها و بینش‌های انسان، از جمله خلیات فردی نیز می‌شود. افزون بر این، طبق این تعابیر به مجموعه‌ای از رفتارهای انسان، سبک زندگی می‌گویند و تک‌تک این رفتارها به تنهایی سبک زندگی به شمار نمی‌روند.

برخی سبک زندگی را «نظام ترجیحات رفتاری» تعریف کرده‌اند (شریفی، ۱۳۹۱، ص ۲۷). عنصر مفهومی مهمی که در این تعریف به آن اشاره شده، جایگاه سلیقه و ترجیح است. بر این اساس، آنچه بدون ترجیح و انتخاب بر فرد تحمیل شده است، جزو سبک زندگی او محسوب نمی‌شود، اگرچه بر آن تأثیرگذار باشد؛ برای مثال، سرمای زیاد هوا برای اسکیموهای ساکن در قطب شمال، امری اختیاری نیست و خارج از سبک زندگی آنان به شمار می‌رود؛ هرچند بر سبک زندگی آنان، مثل چگونگی تهیه غذا، ساختن خانه و نحوه لباس پوشیدن تأثیرگذار است.

در تعریف دیگری گفته شده است:

سبک زندگی، نظام‌واره‌ای است که هندسه رفتار جوارحی و بیرونی افراد و جوامع را در حوزه‌های مختلفی مانند تفریح، مصرف، اوقات فراغت، معاشرت، آرایش، دکوراسیون منزل، شیوه غذا خوردن و معماری نشان می‌دهد و تفاوت‌های

ظاهری یک فرد یا جامعه را با دیگر افراد و جوامع مشخص می کند؛ به عبارت دیگر، سبک زندگی نشان‌دهنده هویت هر فرد یا جامعه است (همان، ص ۴۱).

بعد اجتماعی سبک زندگی و کلی بودن مفهوم آن، از جمله عناصر مفهومی سبک زندگی است که در این تعریف به آن اشاره شده است؛ بر همین اساس، تنها رفتارهای فردی، مفهوم سبک زندگی را تشکیل نمی دهند، بلکه رفتارهای اجتماعی و گروهی نیز در این مفهوم دخیل هستند. همچنین در این تعریف، تأکید شده که به مجموعه عناصری که تا حدودی ارتباط نظام‌مند با هم دارند و یک کل را به وجود می آورند، سبک زندگی گفته می شود.

در تعریف جامع و مناسبی سبک زندگی این گونه تعریف شده است: «الگوی هم‌گرا (کلیت تامی) یا مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی، وضع‌های اجتماعی و دارایی‌ها که فرد یا گروه بر مبنای پاره‌ای از تمایلات و ترجیح‌ها (سلیقه‌اش) و در تعامل با شرایط محیطی خود ابداع یا انتخاب می کند» (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۷، ص ۷۸).

تعریف صحیح و کوتاه سبک زندگی نیز «الگو یا مجموعه نظام‌مند کنش‌های مرجح» است (همان‌جا).

۱. ۳. اخلاق کاربردی

علم اخلاق، علمی است که به ارزش‌گذاری افعال و صفات نفسانی انسان می‌پردازد (با اقتباس از مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱: صص ۲۵ و ۲۴۰). در برخی از موارد، ارزش‌گذاری‌های اخلاقی با برخی مسائل همراه است و نمی‌توان صرفاً از قواعد کلی و اصول اساسی علم اخلاق استفاده کرد.

عده‌دار این موارد بحث‌انگیز، دانش اخلاق کاربردی است (ر.ک: شریفی، ۱۳۹۰، صص ۸۶ و ۸۸). از آنجا که ارزش‌گذاری اخلاقی برای ضرورت سرگرمی



در سبک زندگی با مسائل متعددی همراه است، موضوع تحقیق پیش رو، در قلمرو دانش اخلاق کاربردی قرار می‌گیرد.

۲. ضرورت سرگرمی در سبک زندگی غیراسلامی

باید توجه داشت که خاستگاه سرگرمی‌های مدرن، جوامع صنعتی است؛ به همین علت، در این بخش قبل از بررسی دیدگاه اسلامی، ارزیابی متفکران معاصر درباره ضرورت سرگرمی در سبک زندگی جوامع غیراسلامی نقل و بررسی می‌شود تا با ارزیابی صحیح وضعیت موجود و آگاهی از دیگر نظرات، دیدگاه اسلامی بررسی شود.

۲.۱. دیدگاه نظریه پردازان سبک زندگی

با توجه به آنچه در بخش قبل گفته شد، ابعاد فردی و اجتماعی، چه در امور مادی و چه در امور معنوی، سبک زندگی انسان را تشکیل می‌دهد. همچنین سبک زندگی شامل رفتار درونی یا امور ذهنی، مانند بینش‌ها (معتقدات و ادراکات) و گرایش‌ها (ترجیحات، تمایلات و ارزش‌ها) و امور عینی نظیر وضع‌های (جایگاه‌های) اجتماعی (Social position) و دارایی‌ها و رفتارهای بیرونی می‌شود (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ص ۷۳-۷۴).

سرگرمی‌ها نیز دارای دو بعد درونی و بیرونی هستند؛ بعد درونی حالت نفسانی شخص است که از سرگرم‌شدگی ناشی می‌شود، مانند لذتی که مخاطب از انجام سرگرمی درک می‌کند، در محدوده ادراکات و تمایلات و ترجیحات قرار دارد و بعد بیرونی که فعالیت و مشغول‌شدن انسان به سرگرمی است و جزو مصادیق سبک زندگی محسوب می‌گردد. در همین زمینه، نظریه پردازان ابتدائی سبک زندگی، چون زیمل (Simmel)، وبلن (Veblen)، وبر (Weber) و نظریه پردازان

جدید چون برلسون (Berelson) و استینر (Steiner)، وارنر (Warner)، ون هوتن (Van Houten)، ون فوسن (Van Fossen)، بوردیو (Bourdieu)، ویل (Veal) و فرن (Fern) معتقدند یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی، مشارکت در فعالیت‌های اوقات فراغت است (همان، ص ۵۹-۶۳).

۲.۲ دیدگاه اندیشمندان دیگر

برخی از اندیشمندان دیگر نیز به نقش سرگرمی‌ها در سبک زندگی اشاره کرده‌اند. برای نمونه، چند مورد از این دیدگاه‌ها ارائه می‌شود:

به اعتقاد کینگ (King)، اوقات فراغت طی تاریخ برای آدمی وجود داشته و منشأ نیاز به سرگرمی و تفریح، نیاز به خلاص شدن از خستگی‌های روحی و جسمی است. وی نیاز به سرگرمی را نیازی ثانوی می‌داند که پس از تأمین نیازهای اساسی، در زندگی انسان اهمیت می‌یابد (کینگ، ۱۳۵۵، صص ۱۸۸، ۱۹۱ و ۱۹۴). پارکر (Parker)، یکی دیگر از نظریه‌پردازان، معتقد است فراغت تنها در کنار مفهوم کار، معنا و مفهوم پیدا می‌کند (Clarke & Critcher, 1985, p. 20). وی در تعریف اوقات فراغت، این اوقات را غیر از اوقات رسیدگی به امور بهداشتی و نگهداری از بدن، مراقبت از فرزندان، رسیدگی به امور خانه و فعالیت‌های شغلی تعریف می‌کند (Parker, 1976, p. 17). کارل مارکس (Karl Marx)، فعالیت‌های فراغتی را مقدمه‌ای برای ایجاد فضای پیشرفت و رشد انسان می‌داند و در پی او، انگلس (Engels) نیز بر این باور است که کم کردن از ساعت‌های کاری برای افزایش اوقات فراغت، امری مطلوب و بایسته است (پورسلطانی زرنندی و غیبی‌زاد، ۱۳۸۹، ص ۸۱-۸۲). آلدرفر (Alderfer) در نظریه مشهور خود (ERG) معتقد است انسان

۱. در عنوان این نظریه، E مخفف وجود (Existence)، R مخفف ارتباط (Relatedness) و G مخفف رشد (Growth) است.





سه نیاز اساسی دارد: اول نیازهای زیستی مثل امنیت، نیازهای فیزیولوژیک و جسمانی؛ دوم نیازهای وابستگی مثل نیاز به تعلق اجتماعی و عشق؛ سوم نیازهای رشد مثل نیاز به تحقق خویشتن و پویایی. از منظر او، نیاز به سرگرمی از نیازهای ثانوی است (همان، صص ۹۰ و ۹۲؛ دانایی، ۱۳۸۹، صص ۴۹-۵۰).

مازلو (Maslow) نیز با تقسیم‌بندی نیازهای اساسی انسان، آن‌ها را در قالب یک هرم تنظیم می‌کند؛ به این شکل که نیازهای سطح پایین این هرم، دارای اولویت و قدرتمندتر به شمار می‌روند و شکوفاشدن سطح بالای این هرم، نیازمند ارضاشدن حد مشخصی از نیازهای سطح پایین تر است.

در این تقسیم‌بندی، نیازهای انسان در پنج سطح قرار دارند که به ترتیب عبارت‌اند از: اول، نیازهای فیزیولوژیک و جسمانی (مانند خواب، آب، غذا، هوا، نیاز جنسی)؛ دوم، امنیت (و ثبات و نظم)؛ سوم، محبت و تعلق (به معنی مقبول و محبوب بودن)؛ چهارم، احترام (به معنی دریافت احترام از طرف دیگران و احترام به خود)؛ پنجم، خویشتن‌یابی و شکوفایی. از منظر مازلو نیز نیاز به سرگرمی از نیازهای ثانوی است (پورسلطانی زرنندی و غیبی‌زاد، ۱۳۸۹، صص ۹۰-۹۲؛ دانایی، ۱۳۸۹، صص ۴۹-۵۰).

روانکاو آلمانی، اریک فروم (Erich Fromm)، بر تمایز دو جنبه زیستی و اجتماعی از یکدیگر تأکید می‌کند و معتقد است نیازهای انسان از نظر زیستی و فیزیولوژیک با حیوان مشترک است و نیازهای مخصوص انسان عبارت‌اند از: اول، تعالی؛ دوم، وابستگی؛ سوم، همانندی؛ چهارم، رجوع به اصل؛ پنجم، وسایل راه‌یابی. وی نیز مانند دو روان‌شناس قبل، نیاز به سرگرمی را از نیازهای ثانوی می‌داند (همان‌جاها).

کارل گروس (Carl Gross) در کتاب خود به نام *بازی و مرد می‌گوید* میل به بازی در انسان، همانند حیوانات، یک نیاز طبیعی است و ریشه‌ای غریزی دارد. به اعتقاد وی، سبک زندگی انسان و امور یکنواخت و ملال‌آور در آن،



موجب روی آوردن به سرگرمی‌ها می‌شود. مک دوگال (McDougall) نیز بر این باور است که میل به بازی از غریزه جنگجویی ناشی می‌شود (پورسلطانی زرنندی و غیبی‌زاد، ۱۳۸۹، ص ۸۹؛ دانایی، ۱۳۸۹، ص ۲۹؛ کینگ، ۱۳۵۵، ص ۱۹۱).

لاروس (Larrose)، روان‌شناس آلمانی، معتقد است نیاز به تفریح از نیاز به جبران خستگی و استراحت ناشی می‌شود. نظریات برخی از روان‌شناسان آمریکایی مانند اسپنسر (Spanser)، پاتریک (Patrick) و توماس میل (Thomas Mill) نیز مشابه همین نظریه است. علاوه بر ایشان، طرفداران فروید (Freud) نیز همین نظریه را پذیرفته‌اند (پورسلطانی زرنندی و غیبی‌زاد، ۱۳۸۹، ص ۸۹؛ کینگ، ۱۳۵۵، ص ۱۹۲-۱۹۳).

دورکیم (Doorkime) و جین هاریس (Geane Harris) معتقدند تفریح به شیوه‌های متعدد از مذهب برآمده و نوعی رفتار اجتماعی محسوب می‌شود که بر وحدت میان گروه‌ها تأثیرگذار است (پورسلطانی زرنندی و غیبی‌زاد، ۱۳۸۹، ص ۸۸؛ دانایی، ۱۳۸۹، ص ۲۹؛ کینگ، ۱۳۵۵، ص ۱۹۰).

با توجه به مطالب بالا، می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که از دیدگاه بسیاری از نظریه‌پردازان، چگونگی گذران اوقات فراغت و سرگرمی از مؤلفه‌های اساسی و بنیادین در مفهوم سبک زندگی است و یکی از راه‌های شناخت سبک زندگی افراد، بررسی این مؤلفه مهم است.

۳. ضرورت سرگرمی در سبک زندگی اسلامی

از منظر اخلاق کاربردی و اسلامی، سرگرمی یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی است. به نظر می‌رسد میزان شاخص بودن و اهمیت فعالیت‌های سرگرم‌کننده در سبک زندگی به حدی است که می‌توان این نوع فعالیت‌ها را از مؤلفه‌های اساسی سبک زندگی اسلامی به حساب آورد.



در این باره می‌توان در منابع دینی تأییداتی یافت؛ برخی از این تأییدات به لزوم اختصاص بخشی از اوقات به سرگرمی دلالت دارند و برخی دیگر به شدت نیاز به سرگرمی و لزوم برآورده کردن این نیاز اشاره دارند.

۳.۱. لزوم اختصاص بخشی از اوقات به سرگرمی

درباره لزوم اختصاص بخشی از اوقات به سرگرمی، روایاتی در منابع اسلامی وجود دارد؛ برای نمونه، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خطاب به ابوذر می‌فرماید:

« عَلَى الْعَاقِلِ مَا لَمْ يَكُنْ مَغْلُوبًا عَلَى عَقْلِهِ أَنْ يَكُونَ لَهُ سَاعَاتٌ سَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ تَعَالَى وَسَاعَةٌ يُحَاسِبُ فِيهَا نَفْسَهُ وَسَاعَةٌ يَتَفَكَّرُ فِيهَا صَنَعَ اللَّهُ وَسَاعَةٌ يَخْلُو فِيهَا بِحِطِّ نَفْسِهِ مِنَ الْحَلَالِ فَإِنَّ هَذِهِ السَّاعَةَ عَوْنٌ لِيَتَلَكَّ السَّاعَاتِ وَاشْتِجَامًا لِلْقُلُوبِ وَتَوَزِيْعَ لَهَا؛ کسی که عاقل است زمان خود را به چند بخش تقسیم می‌کند: قسمتی برای مناجات با خدا، قسمتی برای ارزیابی و محاسبه خود، قسمتی برای تفکر درباره خلقت پروردگار و قسمتی هم برای لذت‌جویی‌های حلال. قسمت اخیر به انجام فعالیت‌های قسمت‌های دیگر کمک می‌کند و به قلب آسایش و آرامش می‌دهد و فرد را آماده می‌نماید» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲: ص ۵۲۵).

درباره این روایت باید توجه داشت که در تشخیص حکم اخلاقی (وظیفه اخلاقی)، عقلانیت، جایگاه مهمی دارد و این روایت در واقع با اشاره به عاقلانه‌بودن تقسیم اوقات به چند بخش، از جمله اوقات پرداختن به لذات حلال که سرگرمی‌ها را نیز شامل می‌شود، به وظیفه اخلاقی انسان مؤمن در این زمینه راهنمایی کرده است.

طبق این روایت، این‌گونه مشغولیت‌ها مؤلفه‌ای اساسی در سبک زندگی انسان خردمند و مؤمن به شمار می‌رود و پرهیز از آن‌ها نکوهیده و ناروا و رفتاری غیرعقلایی محسوب می‌شود. البته برخی از روایات، حکمت عاقلانه‌بودن چنین مشغولیتی را بیشتر روشن می‌کنند؛ مانند این روایت: «أَصْلُ الْعَقْلِ الْقُدْرَةُ وَ تَمَرُّهَا



الشُّرُورُ؛ ریشه خرد، توانمندی است و میوه آن، شادی» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵: ص ۷). روشن است که شادی، اثر غالب و متوقع از سرگرمی است و از این رو، پرداختن به سرگرمی‌هایی که با معیارهای عقلی منافات نداشته باشند، در تقویت قوای عقلی انسان نقش مثبت دارند و به تبع آن، از منظر اخلاقی، پسندیده محسوب می‌شوند.

در روایت دیگری، امام کاظم علیه السلام می‌فرماید:

«جَتَّهِدُوا فِي أَنْ يَكُونَ زَمَانُكُمْ أَرْبَعَ سَاعَاتٍ سَاعَةً لِمُنَاجَاةِ اللَّهِ وَ سَاعَةً لِأَمْرِ الْمَعَاشِ وَ سَاعَةً لِمُعَاشَرَةِ الْإِخْوَانِ وَ الثَّقَاتِ الَّذِينَ يُعَرِّفُونَكُمْ عُيُوبَكُمْ وَ يُخْلِصُونَ لَكُمْ فِي الْبَاطِنِ وَ سَاعَةً تَحْلُونَ فِيهَا لِلذَّاتِكُمْ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ وَ يَهْدِيهِ السَّاعَةَ تَقْدِرُونَ عَلَى الثَّلَاثِ سَاعَاتٍ. اجْعَلُوا لِأَنْفُسِكُمْ حِطًّا مِنَ الدُّنْيَا بِعَطَائِهَا مَا تَشْتَهِي مِنَ الْحَلَالِ وَ مَا لَا يَثْلِمُ الْمُؤُودَةَ وَ مَا لَا سَرَفَ فِيهِ وَ اسْتَعِينُوا بِذَلِكَ عَلَى أُمُورِ الدِّينِ فَإِنَّهُ رُؤْي: كَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِدِينِهِ أَوْ تَرَكَ دِينَهُ لِدُنْيَاهُ؛ تلاش کنید که زمان شما مشتمل بر چهار قسمت باشد؛ یک قسمت برای مناجات با خدا، یک قسمت برای کار کردن و امرار معاش و یک قسمت برای معاشرت با افراد معتمدی که عیب‌هایتان را به شما می‌گویند و خالصانه با شما رفتار می‌کنند و یک قسمت هم برای لذت‌جویی‌های حلال. به وسیله قسمت اخیر بر انجام فعالیت‌های سه قسمت دیگر توانایی پیدا می‌کنید» (ابن شعبه حرّانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۰۹-۴۱۰).

این روایت نیز به برنامه‌ریزی برای اوقات و اختصاص بخشی از آن به لذات حلال به‌خاطر افزایش توان فرد برای انجام دیگر فعالیت‌های مهمش تأکید می‌کند. برخی روایات دیگر نیز به این مطلب اشاره دارند که سرگرمی و آنچه موجب افزایش توانایی‌های انسان و تجدید قوای او می‌شود، ضروری هستند؛ مانند روایتی که می‌فرماید:

«إِنَّ لِلْقُلُوبِ شَهْوَةً وَ إِقْبَالَ وَ إِذْبَاراً فَأَتْوَهَا مِنْ قِبَلِ شَهْوَتِهَا وَ إِقْبَالِهَا فَإِنَّ الْقَلْبَ إِذَا أُكْرِهَ عَمِي؛ نفس انسان به اموری تمایل دارد و از امور دیگری روی گردان است.



پس هنگامی خود را به کاری مشغول سازید که به آن کار تمایلی دارید؛ زیرا اگر نفس خود را به کاری مجبور کنید، نفس مانند کسی که کور می‌شود، آسیب می‌بیند» (نهج البلاغه، ح ۱۹۳).

روشن است که میل به سرگرمی به عنوان یک فعالیت لذت‌بخش که نفس انسان به آن تمایل دارد، می‌تواند موجب رفع خستگی و ملالت روح شود و از این رو، طبق روایت اخیر، اختصاص بخشی از اوقات به سرگرمی‌ها امری ضروری و در راستای زندگی حکمت‌آمیز به شمار می‌رود.

هرچند این ضرورت در بیانات شرعی و آموزه‌های اخلاقی اسلام وجود دارد، اما باید توجه داشت که افزایش اوقات فراغت و زندگی صنعتی امروز موجب زیاده‌روی در سرگرمی‌ها مخصوصاً به شکل منفعلانه است. منظور از سرگرمی‌های منفعلانه، سرگرمی‌هایی است که فرد در آن‌ها صرفاً جویای سرگرم شدن است، فعالیت جسمی مفیدی ندارد، فکر و اندیشه‌ای برای او تولید نمی‌شود و انرژی و خلاقیت خود را تلف می‌کند (ر.ک: قاضی مرادی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۵).

برای حل این مسئله اخلاقی باید توجه داشت که سرگرمی و اوقات فراغت فقط به عنوان بخشی از زندگی ضرورت دارند و اهمیت اوقات دیگر را نباید تحت تأثیر قرار دهند. افراط در پرداختن به سرگرمی و فعالیت فراغتی و توجه نکردن به وظایف و مسئولیت‌های دیگر، موجب گرایش انسان به بطالت و بی‌مسئولیتی می‌شود. نکته دیگر اینکه طبق روایات پیش گفته، سرگرمی مطلوب، حلال است و انسان مؤمن، سرگرمی‌هایی را انتخاب می‌کند که از سرگرمی‌های دیگران متمایز است. این موضوع نیز در سبک زندگی اسلامی، مؤلفه‌ای مهم است.

۲.۳. نیاز به سرگرمی و لزوم برآورده کردن آن

علاوه بر روایات بالا که درباره تقسیم اوقات روز به بخش‌های مختلف از جمله سرگرمی است، بررسی بودن یا نبودن و نیز نوع و منشأ نیاز انسان به سرگرمی‌ها نیز



می‌تواند نشان‌دهنده ضرورت سرگرمی در سبک زندگی از منظر اخلاق اسلامی باشد؛ چراکه سبک زندگی بر اساس نیازهای فرد شکل می‌گیرد و از منظر اخلاقی، پاسخ به یک نیاز باید متناسب با آن نیاز باشد. اگر نیازی واقعی نباشد، نباید در سبک زندگی انسان جایگاهی داشته باشد یا اگر صرفاً نیازی ثانوی و منشأ آن وابسته به شرایط اجتماعی و محیطی انسان باشد، باید در سبک زندگی انسان نیز جایگاهی ثانوی و وابسته به منشأ خود داشته باشد.

۳. ۲. ۱. واقعی یا کاذب بودن نیاز به سرگرمی

با وجود توصیه‌هایی گوناگون درباره پرداختن به سرگرمی‌ها، مشخص است که از منظر اسلامی، نیاز به سرگرمی از پایه، نیازی حقیقی و واقعی (Real needs) محسوب می‌شود. در ادامه به برخی از این توصیه‌ها اشاره می‌شود.

در قرآن و تفاسیر، به ورزش‌های سوارکاری و تیراندازی توصیه شده است (ر.ک: انفال: ۶۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۹: ص ۲۵۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ص ۸۵۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹: ص ۱۳۰-۱۳۱). همچنین در قرآن کریم بارها به سفر کردن توصیه شده است (ر.ک: آل عمران: ۱۳۷؛ فاطر: ۴۴؛ عنکبوت: ۲۰؛ توبه: ۱۲۲؛ انعام: ۱۱؛ یوسف: ۱۰۹؛ نحل: ۳۶؛ حج: ۴۶؛ نمل: ۶۹؛ غافر: ۸۲؛ محمد: ۱۰ و ۲۱). باید توجه داشت که امروزه ورزش و سفر (گردشگری) به دو صنعت مهم و پرترف‌دار تبدیل شده‌اند و آموزه‌های پیش‌گفته می‌تواند در استفاده صحیح و اخلاقی از این صنایع راهگشا باشند.

علاوه بر این بیانات، در روایات نیز به سرگرمی‌ها توصیه شده است؛ از جمله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«الهُوَا وَ الْعَبَاوَا فَاِنَّی اُكْرَهُ اَنْ یُرَى فِی دِیْنِكُمْ غَلْظَةً؛ به سرگرمی و بازی پردازید؛ زیرا دوست ندارم در دین شما سخت‌گیری باشد» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۲۵۹).

ایشان در روایت دیگری می‌فرماید:

«خَيْرُ لَهوِ الْمُؤْمِنِ السَّبَاحَةُ وَ خَيْرُ لَهوِ الْمَرْأَةِ الْمَغْرَلُ؛ بهترین سرگرمی برای مرد مؤمن، شنا و برای زن مؤمن، ریسندگی است» (همان، ص ۴۷۳).

امام باقر ع نیز می‌فرماید:

«لَهُوَ الْمُؤْمِنِ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ التَّمَتُّعُ بِالنِّسَاءِ وَ مُفَاكَهَةِ الْإِخْوَانِ وَ الصَّلَاةُ بِاللَّيْلِ؛ سرگرمی مؤمن در سه چیز است: بهره‌گیری از همسر، شوخی با برادران دینی و نماز شب خواندن» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱: ص ۱۶۱).

درباره دلالت این روایات بر مطلوب بودن برخی از سرگرمی‌ها باید توجه داشت که مترجمان در این روایات کلمه لهو را به سرگرمی ترجمه کرده‌اند (مانند: جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۲۰۱-۲۰۴) و همچنان که در مفهوم‌شناسی سرگرمی به آن اشاره شد، سرگرمی دانستن مناسک دینی، از جمله نماز شب، صحیح نیست و این کاربرد، تنزیلی و از باب مجاز است و مقصود این است که نماز شب به منزله یک سرگرمی لذت‌بخش برای مؤمن است. از تشبیه نهفته در این مجاز نیز می‌توان دریافت برخی از سرگرمی‌ها دلخواه و مطلوب هستند.

۲.۲.۳. نوع نیاز به سرگرمی

درباره نوع نیاز انسان به سرگرمی، تقسیم‌بندی‌های متعددی وجود دارد. در یک تقسیم‌بندی، نیازها به دو نوع اولی و ثانوی تقسیم شده است. اهمیت اینکه نیاز به سرگرمی، نیازی اولی باشد یا ثانوی، از آنجاست که بر اساس بعضی از تعاریف سبک زندگی، ترجیحات رفتاری ناشی از نیازهای ثانوی، خارج از مفهوم سبک زندگی انسان است (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ص ۶۳).

به اعتقاد بسیاری از محققان چنین تعریفی صحیح و کامل نیست و این ترجیحات رفتاری نیز مانند دیگر ترجیحات انسان، جزء سبک زندگی محسوب می‌شوند، اما در هر حال، به نظر می‌رسد نیاز به سرگرمی مطلوب از دیدگاه اسلامی، یک نیاز





اولی است. نیاز اولی که به آن نیاز اصیل و اساسی نیز گفته می‌شود، نیازی است که از طبیعت زندگی اجتماعی انسان و عمق نهاد جسم و روح او به وجود می‌آید و نیاز ثانوی از نیاز اولی به وجود آمده و با دگرگون شدن زمان و شرایط محیطی متفاوت می‌شود.

نیازهای اولی، در واقع، محرک فرد به سوی توسعه زندگی و تکامل به شمار می‌روند؛ اما نیازهای ثانوی از این تکامل ناشی می‌شوند و در عین حال، برای کسب کمالات و توسعه بیشتر، یک محرک هستند (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۷۱-۷۲).

با توجه به این مطالب، چنانچه سرگرمی را پدیده‌ای به شمار آوریم که زائیده صنعتی شدن جوامع است و پیش از آن موجود نبوده، نیاز به چنین فعالیتی نیازی ثانوی محسوب می‌شود، در حالی که این نیاز در برخی از موارد، در تمام طول حیات بشر وجود داشته است و ظاهراً مختص دوران صنعتی شدن جوامع نیست و دیدگاه یادشده، از این منظر دارای تناقض است. برای روشن شدن این تناقض باید گفت با کاربست آموزه‌های اخلاق اسلامی، مشخص می‌شود نیاز به سرگرمی از پایه، نیازی اولیه و واقعی است.

با این حال، در جوامع امروزی به علت‌های مختلفی، از جمله پاسخ‌دادن نادرست به دیگر نیازهای انسان، این نیاز افزایش یافته است؛ به عبارت دیگر، ناتوانی انسان‌ها در رفع مشکلات و دشواری‌های خودساخته تمدن‌های جدید و ناکامی در نیل به کمالات اخلاقی، موجب شده سرگرمی، ضرورتی ثانوی و حتی دروغین و کاذب برای انسان امروزی باشد و با آثاری نظیر ایجاد شادی‌های آنی، غفلت‌زایی، کمک به فرار از مسئولیت‌ها، آرامش‌دهی موقت، جبران توهمی شکست‌ها و ارضای تخیلی حس آرمان‌خواهی، به رفع این مشکلات و دشواری‌ها کمک کند.

۱. کسانی مانند دومازدیه معتقدند زمان فراغت، صفات معینی دارد که تنها از ویژگی‌های تمدنی است که از انقلاب صنعتی زاده شده است (ر.ک: دومازدیه، ۱۳۵۲، ص ۱۳).



تقسیم‌بندی دیگر، تقسیم نیازهای انسان به نیاز ثابت و متغیر است. اندیشمندان مسلمان تعاریف گوناگونی از نیاز ثابت و متغیر ارائه داده‌اند؛ نیاز ثابت از منظر عده‌ای چون علامه طباطبایی، نیازی است که از انسانیت انسان برخاسته و یک سلسله نیازهای مشترک را شامل می‌شود که هیچ‌گاه تغییر نمی‌کنند (طباطبایی، بی‌تا، ص ۳۱-۳۲).

در تعریف مشابهی، بعضی از اندیشمندان مسلمان، نیازهای ثابت را نیازی دانسته‌اند که از طبیعت انسان برخاسته است (سبحانی، ۱۳۷۲، ص ۲۹۶-۲۹۸؛ سیدبن قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ص ۳۴۹).

نیازهای متغیر، در مقابل نیازهای ثابت قرار دارند. این نوع نیازها که به آن‌ها نیازهای غیرثابت نیز می‌گویند رفته‌رفته با پیشرفت مدنیت، برطرف و نیازهای جدیدی جایگزینشان می‌شود (طباطبایی، بی‌تا، ص ۲۹).

بر اساس این تعریف نیز همانند تقسیم‌بندی قبلی، چنانچه سرگرمی را محصول صنعتی شدن جوامع بدانیم، سرگرمی، نیازی متغیر و بلکه در برخی موارد غیرواقعی و کاذب است؛ با این حال، به نظر می‌رسد این نیاز در اصل، نیازی ثابت است؛ زیرا با پیشرفت مدنیت به وجود نیامده و به تدریج رفع و نیازهای جدیدی جانشین آن نمی‌شود.

در تقسیم‌بندی دیگری می‌توان نیازهای انسان را به دو نوع نیازهای فطری و غیرفطری تقسیم کرد. در قرآن مجید، واژه‌های «فطرت» (روم: ۳۰)، «فطرکم» (اسرا: ۵۱)، «فطرننا» (طه: ۷۲)، «فطرنی» (هود: ۵۱؛ یس: ۲۲؛ زخرف: ۲۷)، «فطرهن» (انبیاء: ۵۶)، «فطور» (ملک: ۳)، «فطر» (انعام: ۷۹؛ روم: ۳۰)، «منفطر به» (مزمّل: ۱۸)، «انفطرت» (انفطار: ۱) و «فاطر» (انعام: ۴۱؛ یوسف: ۱۰۱؛ ابراهیم: ۱۰؛ فاطر: ۱؛ زمر: ۴۶) به کار رفته است که همه آن‌ها به معنی ابداع و آفرینش بدون سابقه هستند. آفرینش نیازهای فطری نیز ابداعی بدون سابقه محسوب می‌شود که به گفته متفکران اسلامی، این نیازها ویژگی‌های متعددی دارند؛ از جمله:

- با عقل و شعور بشری درک می‌شوند؛

- مخصوص انسان هستند؛

- نیمه آگاهانه و غیراکتسابی هستند (مطهری، بی‌تا، ج ۳: ص ۴۶۴-۴۶۶).

طبق این اصطلاح نیز سرگرمی مطلوب از مؤلفه‌های اساسی سبک زندگی اسلامی محسوب می‌شود؛ چراکه این نیاز طی تاریخ بدون آموزش دادن به انسان، همراه او بوده و اکتسابی محسوب نمی‌شود و نیازی متعالی و فراتر از غرایز جسمانی انسان است.

۳.۲.۳. منشأ نیاز به سرگرمی

درباره منشأ نیاز به سرگرمی و تفریح، نظریات مختلفی گفته شد. بعضی از متفکران، غریزه و نیاز به رهایی از خستگی جسمی و روحی را منشأ نیاز به سرگرمی می‌دانستند و بعضی دیگر، مذهب و بعضی نیز کسب لذت را از عوامل نیاز به سرگرمی برمی‌شمردند. در ادامه، این نظریات بررسی می‌شود.

همچنان که گفته شد، کسانی مانند گروس و دوگال، منشأ نیاز به سرگرمی را غریزه و نیاز به رهایی از خستگی جسمانی و روحی می‌دانند؛ در این باره ابتدا باید منظور از غریزه را مشخص کرد؛ بعضی در تعریف غریزه گفته‌اند که غریزه از جمله عوامل زیستی‌ای است که باعث انجام یک رفتار می‌شود و بعضی دیگر، گفته‌اند که غریزه از عوامل زیستی ممکن‌کننده (تسهیل‌کننده) یک رفتار است (گیدنز، ۱۳۸۹، ص ۶۰-۶۱).

بعضی دیگر، آن را ویژگی‌ها و امیال درونی غیراکتسابی برای کارهای نیمه آگاهانه تعریف کرده‌اند (مطهری، بی‌تا، ج ۳: ص ۴۶۴-۴۶۶). برای جمع‌بندی باید گفت غریزه دارای ویژگی‌هایی مانند نیمه آگاهانه و غیراکتسابی بودن و اثرگذاری بر رفتار است، فقط منشأ فیزیولوژیک و جسمی دارد، برای بقای زندگی زیستی موجود جان‌دار ضروری است و موجود به‌خاطر اینکه جان‌دار است، آن غریزه را دارد.





پس از روشن شدن مفهوم غریزه، به نظر می‌رسد اشکالاتی به این دیدگاه وارد است؛ اشکال اول اینکه از یک سو در این نظریات از غریزه نام برده شده و از سوی دیگر، انگیزه‌رهایی از یکنواختی زندگی نیز منشأ نیاز به سرگرمی دانسته شده است، در حالی که شرایط محیطی مثل یکنواختی زندگی تنها می‌تواند بر کیفیت ارضای غرایز اثر بگذارد و علی‌القاعده عامل اصلی در این زمینه باید فقط غریزه باشد؛ با تأمل در معنای غریزه نیز مشخص می‌شود که غرایز بدون اثرگذاری شرایط محیطی هم وجود دارند و شکوفا می‌شوند.

اشکال دوم اینکه به کاربرد اصطلاح غریزه برای سرگرمی چندان صحیح و مناسب نیست؛ زیرا سرگرمی، یک نیاز جسمی که برای بقا زندگی زیستی انسان ضروری باشد، به شمار نمی‌رود.

و اشکال سوم اینکه طبق این نظریات، نیاز به سرگرمی به تبع یکنواختی و ملالت آوردن زندگی به وجود آمده است؛ در حالی که اولاً فقط یکی از انگیزه‌های افراد در پرداختن به سرگرمی‌ها خلاص شدن از امور روزمره و یکنواخت است و انگیزه‌های دیگری نیز برای بروز این نیاز وجود دارد (مانند ایجاد شادی و تفریح، رسیدن به سلامت جسمی و روحی، شکوفا کردن استعدادها و فردی و اجتماعی، استراحت و ایجاد حس آرامش و آسودگی).

ثانیاً اصل نیاز به سرگرمی، نیازی اولیه است؛ به این معنا که در تمام روزگاران همراه با انسان بوده و مخصوص اوقاتی که زندگی یکنواخت و ملالت‌آور باشد، نیست؛ برای نمونه، سرگرمی از عوامل رشد شخصیتی و اخلاقی کودکان است که این امر با یکنواخت بودن زندگی در دوره کودکی ارتباطی ندارد.

منشأ دیگری که برای نیاز به سرگرمی گفته شده (توسط افرادی مانند لاروس، اسپنسر، میل، پاتریک و طرفداران فروید)، لذت است. دیدگاه‌ها و نظریات لذت‌گرایانه از قدیمی‌ترین و در عین حال، گیراترین و مردم‌پسندترین نظریات درباره سرچشمه ارزش‌های اخلاقی هستند.



بیشتر لذت‌گرایان معتقدند تنها معیاری که می‌توان با آن رفتارهای انسان را ارزش‌گذاری کرد، لذت است (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۷).

ایشان همچنین بر این باورند که سرچشمه رفتارهای انسان از جمله میل به سرگرمی‌ها نیز لذت‌خواهی است. اندیشمندان مسلمان درباره نظریات لذت‌گرایانه بر این باورند که اگرچه عامل و محرک اصلی انسان در رفتارهای خود، کسب لذت و خلاص شدن از رنج و درد است (همان، ص ۱۵۸)، یکی از مهم‌ترین ایرادهای این‌گونه نظریات، منحصر کردن لذت‌های انسان به لذت‌های دنیوی و نادیده گرفتن لذت‌های اخروی است (همان، ص ۱۵۳).

در بحث از منشأ نیاز به سرگرمی نیز این ایراد وارد است؛ به این معنا که در پرداختن به سرگرمی‌ها لازم است به کسب فضایل انسانی و لذت‌های اخروی نیز توجه شود، وگرنه سرگرمی‌ها امری بی‌فایده و لغو خواهند شد که از دیدگاه اسلامی مطلوب نیستند.

چنان‌که گفته شد، طبق نظر کسانی مانند دورکیم و هاریس، مذهب، منشأ نیاز به سرگرمی است. از منظر این متفکران، آیین‌های مختلف در بین ملت‌ها، مذهب به شمار می‌روند و حضور آن‌ها در زندگی انسان، حضوری حداقلی و ناشی از یک ضرورت اجتماعی است. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بر این اساس، مذهب درباره سرگرمی، ملاحظات اخلاقی و دیدگاه‌های قابل ملاحظه‌ای ندارد؛ در حالی که از منظر اسلامی، دین حقیقی تنها اسلام است و در زندگی انسان، حضوری حداکثری دارد و به همین علت، درباره سرگرمی نیز دیدگاه‌ها و ملاحظاتی دارد.

همچنین در بعضی از دیدگاه‌ها گفته شده که یکی از سرگرمی‌ها در گذشته، مناسک و جشن‌های مذهبی بوده و رابطه عمیقی بین سرگرمی و مذهب وجود داشته است (ر.ک: دومازدیه، ۱۳۵۲، ص ۱۳-۱۴؛ کینگ، ۱۳۵۵، ص ۱۹۴)؛

در حالی که به اعتقاد نگارنده، چنان که گفته شد، مناسک و جشن‌های مذهبی، سرگرمی محسوب نمی‌شوند. همچنین منشأ نیاز به سرگرمی نمی‌تواند مذهب باشد؛ به دلیل اینکه خداوند نیاز به سرگرمی را از طریق مذهب برای انسان به وجود نیاورده، بلکه انسان از طریق فطرت و سرشت خود به سرگرمی احتیاج پیدا کرده است. اگر منشأ نیاز به سرگرمی مذهب باشد، انسان‌هایی که از مذهب خاصی پیروی نمی‌کنند، نباید به سرگرمی نیاز داشته باشند، در صورتی که این‌طور نیست و آنان نیز به سرگرمی احتیاج دارند.

نکته دیگر این است که اگر نیاز به سرگرمی از مذهب ناشی شود، این نیاز و به تبع آن، ضرورت سرگرمی در سبک زندگی از عوامل مذهبی مانند جشن‌های مذهبی، آداب مذهبی، قوانین و رفتارهای اجتماعی تأثیر خواهد گرفت و چنانچه این عوامل، نیاز به سرگرمی را القا نکنند، انسان به سرگرمی‌ها رغبت و تمایل پیدا نمی‌کند؛ در صورتی که در شمار زیادی از سرگرمی‌های رایج در عصر حاضر یا در دوره‌های گذشته، این تأثیرپذیری از مذهب دیده نمی‌شود. در حال حاضر، تمایل به تماشای تلویزیون، ورزش و بازی‌های رایانه‌ای از مذهب ناشی نمی‌شود. در سرگرمی‌های گذشتگان نیز موارد متعددی وجود دارد که سرگرمی‌ها منشأ مذهبی نداشته‌اند؛ مثلاً منشأ تمایل رومی‌ها به جنگ گلاادیاتورها که از تفریحات آنان محسوب می‌شده، مذهب (تعالیم حضرت مسیح علیه السلام) نبوده است، بلکه به نظر می‌رسد این تمایل از خوی وحشیگری رومی‌ها نشئت گرفته باشد.



نتیجه گیری

از کاربست آموزه‌های اخلاق اسلامی درباره سرگرمی‌ها نتایج زیر به دست آمد:

- نیاز به سرگرمی در سبک زندگی اسلامی، از پایه، واقعی و حقیقی است و نیازی کاذب که زائیده صنعتی شدن جوامع باشد، نیست. البته ممکن است به دلیل برخی از مشکلات خودساخته بشر، این نیاز در سبک زندگی امروزی به صورت کاذب افزایش پیدا کرده باشد؛
- نیاز به سرگرمی در سبک زندگی، نیازی ثانوی که زائیده صنعتی شدن جوامع باشد نیز محسوب نمی‌شود و به دلیل اینکه نیاز به سرگرمی مطلوب و اخلاقی در تمام زمان‌ها همراه انسان بوده است، این نیاز، یک نیاز اولی و ثابت در سبک زندگی انسان به شمار می‌رود؛
- از جمله تعابیر قرآنی که می‌توان درباره نیاز به سرگرمی از آن استفاده کرد، نیاز فطری است؛ چراکه این نیاز مانند دیگر نیازهای فطری، نیمه آگاهانه، غیراکتسابی و ویژه انسان است و شعور و عقل انسان آن را درک می‌کند.
- نیاز به سرگرمی در سبک زندگی ناشی از یک گزینه نیست؛ چراکه سرگرمی نیازی جسمی که برای بقای زندگی زیستی انسان لازم است، محسوب نمی‌شود؛
- نیاز به سرگرمی در سبک زندگی ناشی از نیاز به لذت (به معنایی که لذت‌گرایان می‌گویند) نیست؛ چراکه این افراد به لذت اخروی و کسب فضایل انسانی در سرگرمی‌ها توجه نمی‌کنند، در حالی که طبق آموزه‌های اخلاق اسلامی، سرگرمی در اموری مانند مناجات با خدا، عبادت یا ارزیابی خود تأثیر دارد؛
- نیاز به سرگرمی در سبک زندگی نمی‌تواند ناشی از آموزه‌های مذهبی باشد؛ به این معنا که خداوند این نیاز را از طریق مذهب برای انسان به وجود نیاورده و اگر این نیاز ناشی از آموزه‌های مذهبی باشد، کسانی که از مذهب خاصی پیروی نمی‌کنند نباید به سرگرمی نیاز داشته باشند؛



- نیاز به سرگرمی در سبک زندگی از فطرت انسان نشئت می گیرد و ضرورت آن به حدی است که می توان آن را از مؤلفه های اساسی زندگی خردمندانه دانست؛ چراکه طبق آموزه های اخلاق اسلامی، ترک لذات حلال که سرگرمی ها نیز از جمله آن ها هستند، رفتاری غیرعقلایی و نکوهیده است.



کتاب نامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه (۱۴۱۴ق)، شریف رضی، قم: هجرت.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲)، الخصال، قم: جامعه مدرسین.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
۵. اسلامی، محمد تقی، احمد دبیری و مهدی عزیزاده (۱۳۸۸)، اخلاق کاربردی: چالش‌ها و کاوش‌های نوین در اخلاق عملی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۶. الامام الرضا، علی بن موسی (۱۴۰۶ق)، فقه الرضا، مشهد: مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام.
۷. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، نهج الفصاحه، تهران: دنیای دانش.
۸. پورسلطانی زرنندی، حسین و آزاده غیبی زاد (۱۳۸۹)، اوقات فراغت، تهران: نشر ورزش.
۹. توسلی، غلام عباس (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی کار و شغل، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، مفاتیح الحیات، قم: اسراء.
۱۱. چاوشیان، حسن و یوسف اباذری (۱۳۸۱)، «از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی، رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی»، مطالعات جامعه‌شناختی، ش ۲۰، ص ۳-۲۸.
۱۲. خزاعی، زهرا (۱۳۸۶)، «اخلاق کاربردی: ماهیت، روش و چالش‌ها»، پژوهش‌های فلسفی کلامی، ش ۳۳، ص ۱۷۵-۲۰۶.
۱۳. دانایی، نسرین (۱۳۸۹)، برنامه‌ریزی اوقات فراغت، تهران: هم‌پا.
۱۴. دومازدیه، ژوفر (۱۳۵۲)، «زمان فراغت از دیدگاه تاریخی و جامعه‌شناسانه»، ترجمه م. آدینه، فرهنگ و زندگی، ص ۱۲-۲۳.



۱۵. سبحانی، جعفر (۱۳۷۲)، *الهیات و معارف اسلامی*، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۶. سیدبن قطب (۱۴۱۲ق)، *فی ظلال القرآن*، بیروت: دار الشروق.
۱۷. شریفی، احمدحسین (۱۳۹۱)، *اخلاق و سبک زندگی*، قم: معارف.
۱۸. شریفی، احمدحسین (۱۳۹۰)، «چستی اخلاق کاربردی»، *معرفت اخلاقی*، ش ۷: ص ۸۳-۹۶.
۱۹. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: جامعه مدرسین.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین (بی تا)، *بررسی های اسلامی*، قم: هجرت.
۲۱. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
۲۲. قاضی مرادی، حسن (۱۳۸۷)، *کار و فراغت ایرانیان*، چ ۲، تهران: اختران.
۲۳. کینگ، ساموئل (۱۳۵۵)، *جامعه شناسی*، ترجمه مشفق همدانی، تهران: امیرکبیر.
۲۴. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹)، *جامعه شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
۲۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۶. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱)، *اخلاق در قرآن*، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی.
۲۷. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴)، *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی علیه السلام.
۲۸. مطهری، مرتضی (۱۳۶۹)، *ختم نبوت*، تهران: صدرا.
۲۹. مطهری، مرتضی (بی تا)، *مجموعه آثار شهید مطهری (فطرت)*، تهران: صدرا.
۳۰. مهدوی کنی، محمدسعید (۱۳۸۷)، *دین و سبک زندگی*، تهران: دانشگاه امام صادق.
۳۱. میرخندان، سیدعبدالله و حسن خیری (۱۴۰۱)، «واکاوی مفهومی فراغت و سرگرمی از دیدگاه اسلامی»، *مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه*،



دوره ۶، ش ۱۲، ص ۴۷-۶۸.

32. Clarke, John & Critcher, Chas (1985). *The Devil Makes Work: Leisure in Capitalist Britain*. London: Macmillan.

33. Parker, Stanley (1976). *The Sociology of Leisure*. London: George Allen & Unwin Ltd.



References

1. *The Holy Quran*.
2. *Nahj al-Balagha* (1414 AH), Sharif Razi, Qom: Hijrat.
3. al-Imam al-Reza, Ali Ibn Musa (1406 AH), *Fiqh al-Reza*, Mashhad: Al al-Bayt Institute (AS).
4. Chavoshian, Hassan and Abazari, Youssef (2012), "From social class to lifestyle, new approaches in the sociological analysis of social identity", *Sociological Studies*, 20: 3-28.
5. Clarke, John & Critcher, Chas (1985). *The Devil Makes Work: Leisure in Capitalist Britain*. London: Macmillan.
6. Danaei, Nasrin (2009), *Leisure Time Planning*, Tehran: Hampa.
7. Dumazdieh, Jofar (1973), "Leisure time from a historical and sociological perspective", translated by M. Adina, *culture and life*, pp. 12-23.
8. Eslami, Mohammad Taqi, Dabiri, Ahmad and Alizadeh, Mehdi (2008), *Applied Ethics, New Challenges and Explorations in Practical Ethics*, Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture.
9. Giddens, Anthony (2010), *Sociology*, translated by Manouchehr Sabouri, Tehran: Ney.
10. Ibn Babouyeh, Muhammad bin Ali (1983), *al-Khesal*, Qom: Jamia Modaresin.
11. Ibn Sho'ba Harrani, Hasan bin Ali (1404 AH), *Tohaf al-Oqool*, corrected by Ali Akbar Ghafari, Qom: Jamia Modaresin.
12. Javadi Amoli, Abdullah (2011), *Mafatih al-Hayat*, Qom: Isra.
13. Khazaei, Zahra (2016), "Applied Ethics: Nature, Method and Challenges", *Theological Philosophical Researches*, 33: 175-206.
14. King, Samuel (1976), *Sociology*, translated by Mushfaq Hamdani, Tehran: Amirkabir.
15. Mahdavi Kani, Mohammad Saeed (2008), *Religion and Lifestyle*, Tehran: Imam Sadegh University.
16. Majlisi, Muhammad Baqir (1403 AH), *Bihar al-Anwar*, Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi.
17. Mirkhandan, Seyyed Abdullah and Khairy, Hassan (2022), "Conceptual study of leisure and entertainment from an Islamic point of vie'", *Howza Social Cultural Studies*, 6 (12): 47-68.
18. Misbah Yazdi, Mohammad Taqi (2013), *Ethics in the Qur'an*, researched and written by Mohammad Hossein Eskandari, Qom: Imam Khomeini Institute Publications.
19. Misbah Yazdi, Mohammad Taqi (2014), *Criticism of Ethical Schools*, Qom: Imam Khomeini Institute Publications.
20. Motahari, Morteza (1990), *The End of Prophethood*, Tehran: Sadra.
21. Motahari, Morteza (n.d), *collection of works of Martyr Motahari (Fitrat)*, Tehran: Sadra.
22. Parker, Stanley (1976). *The Sociology of Leisure*. London: George Allen

- & Unwin Ltd.
23. Payandeh, Abolqasem (2012), *Nahj al-Fasaha*, Tehran: Duniya Danesh.
 24. Poursoltani Zarandi, Hossein and Ghaibizad, Azadeh (2010), *Leisure Time*, Tehran: Eshrath Publishing.
 25. Qazi Moradi, Hassan (2008), *Work and Leisure of Iranians*, Second Edition, Tehran: Akhtaran.
 26. Seyyed Ibn Qutb (1412 AH), *fi Zelal al-Qur'an*, Beirut: Dar al-Shoroq.
 27. Sharifi, Ahmad Hossein (2011), *Ethics and lifestyle*, Qom: Maarif.
 28. Sharifi, Ahmad Hossein (2013), "What is Applied Ethics", *Knowledge Ethical*, 7: 83-96.
 29. Sobhani, Jafar (1993), *Theology and Islamic Education*, Qom: Institute of Imam Sadiq.
 30. Tabarsi, Hassan bin Fazl (1993), *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*, Tehran: Nasser Khosro.
 31. Tabatabaei, Mohammad Hossein (1417 AH), *al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*, Qom: Jamia Modaresin.
 32. Tabatabai, Mohammad Hossein (n.d), *Islamic Surveys*, Qom: Hijrat.
 33. Tavasoli, Gholam Abbas (1996), *Sociology of Work and Occupation*, Tehran: Organization for Studying and Compiling Humanities Books of Universities.

